

بسم الله الرحمن الرحيم

امارت اسلامی افغانستان

ستره محکمه

ریاست عمومی دارالانشاء

آمریت تحریرات

بخش متحدالمال

شماره متحدالمال: ۴۴ تاریخ ۲۵ ذو الحجة الحرام - ۱۴۴۵ هـ ق مصادف ۱۲ سرطان ۱۴۰۳ هـ ش

به منسوبین محترم تمیزها، ریاست ها و محاکم ستره محکمه!

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

وبعد: بتعقیب متحدالمال شماره (۳۹) مؤرخ ۱۴۴۴/۶/۱۲ هـ ق ریاست عمومی دارالانشاء احتراماً مینیگاریم:

مقام عالی محترم رهبری امارت اسلامی افغانستان طی حکم شماره (۱۵۶۸)، مؤرخ ۱۴۴۵/۳/۲۲ هـ ق، هدایتی را پیرامون تخریح فقهی طرزالعمل اصلاح شده محکمه اختصاصی بررسی مجدد فیصله های اداره قبلی صادر نموده بودند. طبق هدایت متذکره، طرزالعمل یاد شده بعد از تخریح فقهی خدمت مقام عالی محترم رهبری تقدیم گردید. مقام عالی محترم توسط حکم شماره (۵۷۸۲) مؤرخ ۱۴۴۵/۱۱/۲۶ هـ ق درمورد چنین هدایت فرموده اند:

"ملاحظه شد!

طرزالعمل بررسی مجدد فیصله های محاکم اداره قبلی طی ۱۰ ماده توشیح و قابل انفاذ است."

موضوع متذکره به مقام محترم ستره محکمه پیشنهاد گردیده، بتأسی از حکمی مؤرخ ۱۴۴۵/۱۲/۲۴ هـ ق چنین هدایت فرمودند: "طرزالعمل بررسی مجدد فیصله های محاکم اداره قبلی، که توسط حکم شماره (۵۷۸۲) مؤرخ ۱۴۴۵/۱۱/۲۶ هـ ق مقام عالی محترم رهبری در ده ماده توشیح و قابل انفاذ گردانیده شده، به شکل متحدالمال برای عموم محاکم ارسال گردد."

بناءً طرزالعمل متذکره ضم متحدالمال هذا در (۵) ورق بمنظور اجراءات اصولی به شما اخبار گردید.

والسلام

مفتی عبدالرشید "سعید"

رئیس عمومی

دارالانشاء ستره محکمه

بسم الله الرحمن الرحيم  
امارت اسلامی افغانستان  
ستره محکمه  
ریاست عمومی دارالانشاء  
آمریت تحریرات

تاریخ: ۲۷/ربیع الاول/۱۴۴۵ هـ ق

مصادف ۲۰ / میزان / ۱۴۰۲ هـ ش

طرز العمل  
بررسی مجدد فیصله های محاکم اداره قبلی

الحمد لاهله والصلاة علی اهلها اما بعد:

حکم شماره (۴۳۵۷) مؤرخ ۱۴۴۴/۱۲/۱۵ هـ ق مصادف ۱۴۰۲/۴/۱۲ هـ ش مقام عالی محترم مشرتابه امارت اسلامی افغانستان سلسلتاً مواصلت ورزیده و به ستره محکمه چنین هدایت داده شده است: (طرز العمل تعدیل شده بررسی مجدد فیصله های محاکم اداره قبلی و نظریات ریاست عالی تمیز زون جنوب غرب و ریاست عمومی دارالافتاء ستره محکمه درمورد آن ضم این مکتوب به شما ارسال گردیده، با در نظر داشت عبارات کتب فقهی، اگر نیازی بود برای اصلاحات، در آن صورت در پرتو عبارات اصلاحات صورت گیرد و همچنان آن عده اصلاحات اداری که در طرز العمل شناسائی گردیده بعد از تأیید توسط شما (سرپرست محترم ستره محکمه) نیز در آن جا بجا گردد، بعداً طرز العمل متذکره را برای ما ارسال بدارید.)

بناءً، طبق هدایت متذکره مقام عالی محترم رهبری امارت اسلامی افغانستان، ملاحظات شیوخ عظام و علمای کرام ستره محکمه، ملاحظات ریاست عالی تمیز زون جنوب غرب، ملاحظات ریاست عمومی دارالافتاء ستره محکمه پیرامون طرز العمل تعدیل شده بررسی مجدد فیصله های محاکم اداره قبلی، با در نظر داشت عبارات کتب فقهی، بعد از تأیید مقام محترم ستره محکمه در طرز العمل فوق الذکر جای بجا گردیده و طرز العمل بررسی مجدد فیصله های محاکم اداره قبلی ذیلاً شکل یافت.

چون قضات اداره فاسد قبلی قضات بغات نامیده میشوند و قضات را میتوان توسط بغات عزل و نصب نمود. و مطابق تصریحات فقهاء، وقتیکه بغات تسلط یک منطقه را کسب نمایند، قضات محترم اهل عدل معزول نه میکنند. فقط در صورتی که بغات آنرا معزول نمایند و بجای آنها دیگر قضات را مقرر نمایند، معزول می شوند. به این مفهوم که معزول کردن قضات اهل عدل و نصب قضات خویش توسط بغات صورت گرفته میتواند، و با بازپس گیری تسلط توسط اهل عدل، قضات بغات خود بخود معزول می شوند<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> أهل البغي إذا غلبوا على بلاد أهل العدل، فالقضاة قضاة على حالهم ما لم يعزلهم البغي، فإذا عزلهم خرجوا عن القضاء حتى لو انهزم البغاة بعد ذلك، لا ينفذ قضاؤهم ما لم يقلدهم سلطان أهل العدل ثانياً، لأن البغي صار سلطاناً بحكم القهر ألا ترى أن تقلد القضاء منه يجوز، فيصح العزل منه المحيط البرهاني في الفقه النعماني (۱۶/۸)

وفي العمادية التقليد من أهل البغي يصح وبمجرد استيلاء البغي لا ينعزل قضاة العدل، ويصح عزل البغي لهم حتى لو انهزم البغي بعد ذلك لا ينفذ قضاياهم بعد ذلك ما لم يقلدهم سلطان العدل ثانياً لأن البغي صار سلطاناً بالقهر والغلبة. مجمع الأنهر في شرح ملتقى الأبحر (۲/ ۱۵۶)

(قوله ويجوز تقليد القضاء من السلطان العادل والجائر ومن أهل البغي)؛ لأن الصحابة - رضي الله تعالى عنهم - تقلدوه من معاوية، والحق كان بيد علي - رضي الله تعالى عنهما - نوبته والتابعين تقلدوه من الحجاج وكان جائراً أفسق أهل زمانه هكذا قال أصحابنا .... وأشار المؤلف بصحة التقليد من الجائر عادلاً كان القاضي أو باغياً إلى صحة عزل البغي لقضاة أهل العدل وفي الفصول بمجرد استيلاء البغي لا تنعزل قضاة العدل، ويصح عزل البغي لهم حتى لو انهزم البغي بعده لا تنفذ قضاياهم بعده ما لم يقلدهم سلطان العدل ثانياً إذ البغي صار سلطاناً بالقهر والغلبة. اهـ البحر الرائق شرح كنز الدقائق ومنحة الخالق وتكملة الطوري (۶/ ۲۹۸)

## خلاصه طرز العمل هیئت:

ماده اول: از عبارت کتب فقهی حنفی بوضوح معلوم می شود که قضات بغات، قضات نامیده میشوند. اگر فیصله های قضات اداره قبلی که تطبیق نه شده باشند، به محضر قضات محترم امارت اسلامی تقدیم گردد، جانب عارض یا محکوم له خواهد بود، تقاضای تطبیق خواهد کرد یا محکوم علیه خواهد بود، تقاضا خواهد کرد فیصله های اداره قبلی نقض گردد. در هر دو صورت، دوسیه به محکمه اختصاصی بررسی مجدد فیصله های اداره قبلی در هر ولایت ارسال گردد.<sup>2</sup>

ماده دوهم: محکمه اختصاصی خواهد دید که آیا فیصله های اداره پیشین قابل تائید و یا قابل نقض می باشد. در هر دو صورت، (اگر محکمه اختصاصی فیصله های اداره قبلی را تائید می کند و یا فیصله جدید خویش را صادر می نماید) این تائید فقط بشکل فتوی خواهد بود، نه فیصله مستقل. بلکه تائید فیصله را با رعایت همه اصول فیصله های قضائی مدلل خواهد ساخت. همچنان، فیصله مستقلة خویش را نیز مدلل خواهد ساخت و فیصله را در محضر جانین ابلاغ خواهد کرد.<sup>3</sup>

ماده سوم: سه علمای کرام باتجربه و با استعداد در کنار هر تمیز مقرر گردند. آنها هر فیصله محکمه اختصاصی را قبل از تطبیق ملاحظه می کنند. اگر نقصانات داشت، آنها برای اصلاح به محکمه اختصاصی ارسال نمایند و موارد اصلاح را تک تک برای آنها تذکر دهند تا اصلاح اش برای آنها سهل باشد. در صورتیکه فیصله تایید شده یا فیصله جدید یا فیصله مصحح توسط محکمه اختصاصی صحیح بوده، آنها تائید نموده و برای اصدار امر تطبیق به ریاست عالی تمیز مربوطه ارسال گردد. تائید همین ۳ نفر از علمای کرام فیصله نهائی و تجدید نظر پنداشته می شود و مجدداً قابل بررسی نمی باشد.<sup>4</sup>

ماده چهارم: در صورتیکه جانبی در بخش حق الله موضوعات سیاسی و تعزیراتی مطالبه اجراء نماید و محکوم علیه نیز برخی از حبس و جزاء را سپری نموده باشد، به این موضوع مجدداً جریان داده نمی شود، خاتمه داده شود. و در بخش حق العبد، شخص متضرر میتواند دعوی حق خویش را در محکمه مربوطه در مطابقت با اصول اقامه نماید. البته این غیر از کسانی است که زیر عفو عمومی امیرالمؤمنین حفظه الله تعالی قرار گرفته باشند.<sup>5</sup>

ماده پنجم: در صورتیکه قاضی اداره قبلی فیصله را در داخل فقه حنفی کرده بود یا در پرتوی یکی از ۳ مذهب دیگر فیصله کرده بود، حکم اش در مجموع صحیح بود، فیصله را به نواقص اداری نقض ننمایند، بلکه فیصله اداره قبلی را به اساس فیصله جدید با دلایل تایید نمایند.<sup>6</sup>

<sup>2</sup> قوله ويجوز تقليد القضاء من السلطان العادل والجائر ومن أهل (البيغي)؛ لأن الصحابة - رضي الله تعالى عنهم - تقلدوه من معاوية، والحق كان بيد علي - رضي الله تعالى عنهما - في نوبته والتابعين تقلدوه من الحجاج وكان جائراً أفسق أهل زمانه هكذا قال أصحابنا. البحر الرائق شرح كنز الدقائق ومنحة الخالق وتكملة الطوري (٢٩٨ / ٦)

(القضاء يتقيد ويتخصص بالزمان أو المكان واستثناء بعض الخصومات درر الحکام في شرح مجلة الأحكام ٤ / ٥٩٧) المادة (١٨٠١)

<sup>3</sup> القضاء يتقيد ويتخصص بالزمان أو المكان واستثناء بعض الخصومات درر الحکام في شرح مجلة الأحكام ٤ / ٥٩٧) المادة (١٨٠١)

<sup>4</sup> إذا ادعى المحكوم عليه بأن الحكم الذي صدر في حق الدعوى ليس موافقاً لأصوله المشروعة وبين جهة عدم موافقته وطلب استئناف الدعوى يحقق الحكم المذكور فإن كان موافقاً لأصوله المشروعة يصدق وإلا يستأنف درر الحکام في شرح مجلة الأحكام ٤ / ٦٨٦) المادة (١٨٣٨) -

(القضاء يتقيد ويتخصص بالزمان أو المكان واستثناء بعض الخصومات درر الحکام في شرح مجلة الأحكام ٤ / ٥٩٧) المادة (١٨٠١)

<sup>5</sup> وأما الحنفية فقالوا: إن التعزير إذا كان حقاً شخصياً لإنسان، فهو واجب لا عفو فيه؛ لأن حقوق العباد ليس للقاضي إسقاطها، وإن كان حقاً لله تعالى فهو مفوض إلى رأي الإمام؛ إن ظهر له المصلحة فيه أقامه، وإن ظهر عدم المصلحة، أو علم انزجار الجاني بدونه، يتركه أي أن العفو فيه للإمام. (الفقه الإسلامي، ٥٦٠٣ / ٧)

<sup>6</sup> وإذا ولي البغاة قاضياً في مكان غلبوا عليه فقاضى ما شاء ثم ظهر أهل العدل فرفعت أقضيته إلى قاضي أهل العدل، نفذ منها ما وكذا ما قضاها برأي بعض المجتهدين؛ لأن قضاء القاضي في المجتهدين نافذ وإن كان مخالفاً لرأي قاضي العدل. فتح القدير للكمال ابن الهمام (١٠٩ / ٦)

وإذا ولي البغاة قاضياً على مكان غلبوا عليه فقاضى ما شاء ثم ظهر أهل العدل فرفعت أقضيته إلى قاضي العدل نفذ منها ما هو عدل وكذا ما قضى برأي بعض المجتهدين؛ لأن قضاء القاضي في المجتهدين نافذ وإن كان مخالفاً لرأي قاضي العدل الدر المختار وحاشية ابن عابدين رد المحتار (٢٦٨ / ٤)

وإذا غلب أهل البيغي على مدينة فاستعملوا عليها قاضياً فقاضى بأشياء، ثم ظهر أهل العدل على تلك المدينة فرفعت قضايها إلى قاضي أهل العدل، فإنه ينفذ منها ما كان عدلاً؛ لأنه لو نقضها احتاج إلى إعادة مثلها، والقاضي لا يشتغل بما لا يفيد، ولا ينقض شيئاً ليعيده، وكذلك إن قضى بما رآه بعض الفقهاء؛ لأن قضاء القاضي في المجتهدين نافذ فلا ينقض ذلك قاضي أهل العدل. من قضايها تقلد من أهل البيغي، وإن كان مخالفاً لرأيه. المبسوط للسرخسي (١٠ / ١٣٥)

ماده ششم: در دوسیه های اداره قبلی که در آن امارت مدعی یا مدعی علیه باشد، ارکان مربوطه باید نماینده خویش را رسماً برای پیشبرد دعوی به محکمه اختصاصی معرفی نمایند تا اجراءات اصولی بالای آن صورت گیرد.<sup>7</sup>

ماده هفتم: هرگاه حکم قضات اداره فاسد قبلی بالای سببی از اسباب حکم استوار بود: چون اقرار، بیته، حلف، یا نکول و مانع شرعی دیگری موجود نه بوده، باید تطبیق گردد. البته قاضی باید کاملاً متوجه باشد که اقرار، بیته، حلف یا نکول در مطابقت با شریعت است یا خیر، با دعوی موافق است یا خیر.<sup>8</sup>

ماده هشتم: در صورتیکه نیاز شود در موضوعات تجارتي حقوقی عرف تجار معلوم گردد، مرجع مربوطه معلومات را از اطاق تجارت منحیث اهل خبره طلب نمایند. بعداً اجراءات اصولی (تائید، یا نقض، یا فیصله مستقلة) نماید.<sup>9</sup>

ماده نهم: فیصله های غیر تطبیق شده اداره قبلی، که بعد از فتح، توسط محکمه اختصاصی در ولایت تائید یا نقض گردیده باشند و یا در مورد قرار یا فیصله صادر شده باشد و قبل از طرز العمل هذا تطبیق نه شده باشند، برای ملاحظه سه تن از علمای کرام در کنار تمیز مربوطه تقدیم گردد تا معلوم شود که فیصله متذکره قابل تطبیق است یا خیر.<sup>10</sup>

ماده دهم: این طرز العمل محاکم اختصاصی بررسی مجدد فیصله های اداره قبلی بعد از تائید مقام عالی محترم مشرتابه امارت اسلامی افغانستان قابل عمل است.<sup>11</sup>

#### (وهو الموفق)

<sup>7</sup> ولو كانت الدعوى بين الحكومة السنية و احد افراد الناس فيلزم بمقتضى احكام المضبطة الصادرة من شورى الدولة ان يعين الناظر من دائرة الحكومة الواقع النزاع معها وكيلا مستقيما واقفا على العمل و عارفا بالقانون شرح قانون المحاكمات الحقوقية لسليم بن رستم باز ص: ٨٧ شرح المادة ٤١  
أمر السلطان إنما ينفذ إذا وافق الشرع وإلا فلا. (قوله: أمر السلطان إنما ينفذ أي يتبع ولا تجوز مخالفته. الدر المختار و رد المحتار (٥/ ٤٢٢).

<sup>8</sup> وإذا ولي البغاة قاضيا في مكان غلبوا عليه فقاضى ما شاء ثم ظهر أهل العدل فرفعت أقضيته إلى قاضي أهل العدل نفذ منها ما هو عدل، وكذا ما قضاه برأي بعض المجتهدين؛ لأن قضاء القاضي في المجتهدين نافذ وإن كان مخالفا لرأي قاضي العدل. فتح القدير للكمال ابن الهمام (٦/ ١٠٩).  
إذا ادعى المحكوم عليه بأن الحكم الذي صدر في حق الدعوى ليس موافقا لأصوله المشروعة وبين جهة عدم موافقته وطلب استئناف الدعوى يحقق الحكم المذكور فإن كان موافقا لأصوله المشروعة يصدق وإلا يستأنف درر الحكام في شرح مجلة الأحكام (٤/ ٦٨٦)

المادة (١٨٣٨) - (القضاء يتقيد ويتخصص بالزمان أو المكان واستثناء بعض الخصومات درر الحكام في شرح مجلة الأحكام (٤/ ٥٩٧) المادة (١٨٠١)  
<sup>9</sup> فإن أشكل يرجع إلى أهل الخبرة (يرجع إلى أهل الخبرة أي يسأل القاضي أهل العلم عن ذلك يعني العدول منهم ويبيّن). (لأنهم أعرف به قال الله تعالى: { فاسألوا أهل الذكر

/ إن كنتم لا تعلمون} [النحل: ٤٣]. الهداية مع فتح القدير للكمال ابن الهمام (٨/ ٢٧١):  
(١١) أمر السلطان إنما ينفذ إذا وافق الشرع وإلا فلا. (قوله: أمر السلطان إنما ينفذ أي يتبع ولا تجوز مخالفته. الدر المختار و رد المحتار (٥/ ٤٢٢).

وإذا ولي البغاة قاضيا في مكان غلبوا عليه فقاضى ما شاء ثم ظهر أهل العدل فرفعت أقضيته إلى قاضي أهل العدل نفذ منها ما . وكذا ما قضاه برأي بعض المجتهدين: (٨)  
لأن قضاء القاضي في المجتهدين نافذ وإن كان مخالفا لرأي قاضي العدل. فتح القدير للكمال ابن الهمام (٦/ ١٠٩)

<sup>10</sup> إذا ادعى المحكوم عليه بأن الحكم الذي صدر في حق الدعوى ليس موافقا لأصوله المشروعة وبين جهة عدم موافقته وطلب استئناف الدعوى يحقق الحكم المذكور  
فإن كان موافقا لأصوله المشروعة يصدق وإلا يستأنف درر الحكام في شرح مجلة الأحكام (٤/ ٦٨٦) المادة (١٨٣٨) -

(القضاء يتقيد ويتخصص بالزمان أو المكان واستثناء بعض الخصومات درر الحكام في شرح مجلة الأحكام (٤/ ٥٩٧) المادة (١٨٠١)

<sup>11</sup> أمر السلطان إنما ينفذ إذا وافق الشرع وإلا فلا. (قوله: أمر السلطان إنما ينفذ أي يتبع ولا تجوز مخالفته. الدر المختار و رد المحتار (٥/ ٤٢٢).

شماره حکم: ۵۷۸۲

تاریخ: ۱۴۴۵-۱۱-۲۶

تاریخ: ۱۴۰۳-۳-۱۵

(مهر)

به ریاست محترم ستره محکمه

(مهر)

شماره صادره: ۶۰۲ نپته ۱۴۴۵/۱۱/۲۴ ه ق

ملاحظه شد!

طرز العمل بررسی مجدد فیصله های محاکم اداره قبلی در ۱۰ ماده توشیح و قابل انفاذ است.

امیرالمؤمنین شیخ القرآن والحديث

مولوی هیة الله اخندزاده

(امضاء)

ذوالقعدة الحرام ۱۴۴۵ ه ق